

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

دمیتری سدوف

برگردان از: ا. م. شیری

۲۲ اگست ۲۰۱۲

کاندوم برای الهه عدل انگلیس

به زودی از زمانی که تمام دستگاه امنیتی- انتظامی انگلیس برای جنگ با دشمن شماره یک امپریالیسم، "جولیانو آسانژ"، روزنامه نگار استرالیایی، بسیج شده و سویدن و امریکا نیز در پی شکار او بر آمده اند، یک سال می گذرد. هیاهوی زیادی پیرامون این پرسوناژ به راه افتاده، ولی کمتر کسی از جزئیات اقامه دعوا در دادگاهی که گویا دلیل رقابت بین المللی در تعقیب وی نیز بوده، آگاهی دارد. در همین حال خود واقعیت چنین اقامه دعوائی، حتی صرف نظر از آن که از سویدن «شروع» شده، که از خیلی وقتها پیش «مبارزه برای حقوق بشر» را به انواع هذیان گویی عمومی تبدیل کرده است، موجب هراس هر انسان عادی می گردد.

یادآوری کنیم، که ۲۰ اگست سال ۲۰۱۰، سویدن حکم بازداشت "آسانژ" را صادر کرد. به گزارش روزنامه «لوکال»، "آسانژ" به آزار جنسی و تجاوز به عنف متهم است. "آسانژ" را مشخصا به ترتیب زیر متهم می کنند: - او با یک دختر سویدنی (در اسناد نام او را «خانم آ» ذکر کرده اند)، بی توجه به خواهش وی، بدون استفاده از کاندوم به عمل مقاربت جنسی مشغول شده است؛

- او با «خانم ب» در هنگام خواب، بدون استفاده از کاندوم رابطه جنسی برقرار کرده است. مضحک بودن هر دو اتهام، اگر چه دومی آزار دهنده است، آشکار است. مثل این که «خانم ب» متوجه نبوده است که چرا "آسانژ" با او در رختخواب خوابیده، و بسیار از آن رنجیده که، همه چیز در لحظه ای «اتفاق افتاده» که او در خواب بوده است. این ممکن است ناراحت کننده باشد، ولی چرا به دادستانی شکایت کرده است؟ بلی «خانم آ» هم از حق امتناع از ادامه عیش برخوردار بود، اما در این مورد که امتناع نکرده، دادگاه هیچ کمکی نمی تواند بکند.

از قضا، ابتداء دادگاه سویدن که قضات منصفی در آن داوری می کردند، اتهام تجاوز به عنف را وارد ندانست. اما بعداً مکانیسم ناشناخته ای به کار افتاد، و اتهام را تأیید کرد.

چون در پی شکار "آسانژ" برآمدند، او تصمیم به فرار به لندن، به محبوب ترین پناهگاه پناهندگان سیاسی جهان

گرفت.

به چه اعجوبه هائی که بسیاری از آنها خود را پناهنده سیاسی نیز می نامند، در پایتخت امپریالیسم انگلیس بر نمی خوری! دولت انگلیس به شیخ سابق، تاجر مواد مخدر، سوداگر برده، قاتل مزدور و امثال اینها که از دست قوانین میهن خود فرار کرده اند، به این دلیل ساده که اینها دشمنان میهن خود هستند و در صورت لزوم، می توان از آنها علیه کشورشان استفاده کرد، پناهندگی می دهد. این موارد اغلب اتفاق می افتد. در حالی که در این جامعه حتی دزدهای قهاری مانند برزوفسکی یا قاتلانی مانند احمد زاکایف انسانهای محترمی شمرده می شوند، پادشاهی انگلیس حتی به "جولیانو آسانژ" پناهندگی سیاسی نمی دهد. جنایت روی داده از نظر آنها خیلی عجیب و غریب است! وای اگر هر مردی با زنی که در کنارش خوابیده در حالت خواب مقاربت نماید، بشر به چه سرنوشتی دچار خواهد شد؟ اگر مرد سوزان از هوس به خواهش همبستر خویش برای استفاده از مصنوعات پلاستیکی توجه نکند، این همه محصول به چه دردی خواهد خورد؟ البته که بشریت به هلاکت خواهد رسید. بدین سبب، جنایتکار باید به هر طریق ممکن دستگیر شود و به دست عدالت ملی سپرده شود.

بدین ترتیب همه ما نمی فهمیم، که دیوان عدالت انگلیس بیش از حد لازم خود را ملزم به رعایت موازین حقوق بین المللی می داند. مسأله به اینجا ختم نمی شود و هر وقت ضرورت ایجاب کند این موازین را زیر پا می گذارد. عجیب نیست، که "آسانژ" به سفارت اکوادور پناه برده است. پولیس حتی یکبار در تلاش برای دستگیری وی، تا طبقه دوم هم رفت. ولی واقعیت دارد که بعداً متوقف شد. زیرا، صدای وزارت امور خارجه اکوادور در آمد. این اکوادورپها درک نمی کنند، که شریک باید به هر قیمتی مجازات شود. و اگر ضرورت ایجاب کند، سفارت هم حتی به بهای قتل عام، مورد حمله قرار خواهد گرفت و انگلیسی ها به هر ترتیب، بهانه ای خواهند تراشید. آنها در این کار ماهرند.

این هم یک واقعیت است که طرفداران "آسانژ" الهه عدل انگلیس را به مسخره گرفته اند. آنها قصد دارند ارسال انبوه بسته های کاندوم به دادگاه انگلیس را سازماندهی کنند. مسلماً، برای عبور از این شاخه قدرت انگلیس می خواهند به چنین کاری دست بزنند.

هر چند این کار هم مشکل می تواند جلو شکار "آسانژ" را بگیرد. به خصوص این که دادگاه امریکا در صدد است او را به اتهام افشای اسرار دولتی محاکمه کند.

این مسأله دلایل دیگری هم دارد. "آسانژ" از سال ۲۰۰۶ در حدود ۱۰۰ هزار از اسناد سرّی در باره جنگ افغانستان و همچنین ده ها هزار راجع به جنگ عراق را به کانال تلویزیونی الجزیره، روزنامه های گاردین، اسپیکل و نیویورک تایمز فرستاد. بخشی از مدارک، کشتار غیرنظامیان را افشاء می کند. پس از انتشار برخی شواهد، به ویژه اسناد ویدئویی، رسوائی امریکا ابعاد بین المللی به خود گرفت.

آسانژ همچنین اعلام کرد، که ۱۵ هزار سند سرّی پنتاگون را هم در اختیار دارد.

در ماه اگست سال ۲۰۱۰ "آسانژ" در چهارچوب دیدار خود از سویدن با حزب دزدان دریائی این کشور در باره گنجاندن بخشی از اسناد ویکیلیکس در سایتهای آن، که طرح حمایت سیاسی در مقیاس جهانی را تأمین می کند، توافقنامه امضاء کرد.

در ماه جون ۲۰۱۲ او اعلام کرد که ویکیلیکس در حدود ۲ میلیون ۴۰۰ هزار فقره اسناد مربوط به مناقشه در سوریه را منتشر خواهد ساخت. به گفته "آسانژ"، اسناد به دست آمده برای درک رویدادهای این کشور به مردم کمک خواهد کرد.

بلی، این است تجاوز به عنف واقعی! نه فقط «خانمهای» موهوم «آ» و «ب»، بلکه سیاست خارجی امریکا و انگلیس هم که «آسانژ» اسرار کثیف و خونین آنها را فاش ساخته، از سری قربانیان او شمرده می شوند. این جرم را بر او نخواهند بخشید. آنگلو ساکسونها به هر کاری دست می زنند که او از دست آنها در سفارت اکوادور فرار نکند، به خصوص این که او نمی تواند تا ابد در آنجا بنشیند. زیرا، جمهوری مغرور با فشار و باج خواهی بی سابقه مواجه خواهد شد. مثلاً، وزیر امور خارجه انگلیس، ویلیام هیگ اظهار داشت، که دولت می تواند مصونیت سیاسی سفارت اکوادور را با استناد به قانون «اماکن سیاسی»، که طبق آن در صورت استفاده برای اهداف غیرسیاسی و مخفی شدن جنایتکار امکان پذیر است، لغو کند. این چنین اظهارات توهین آمیز موجب اعتراض شدید کیتو قرار گرفت و برای بسیاری از مردم جهان معلوم گردید که بهای هر چیز در لندن چقدر است.

این بهای موضع قاطع و اعتقاد بدان است، که حقیقت باید به کرسی بنشیند. اما «جولیانو آسانژ» واقعیت و فقط واقعیت را منتشر ساخت. بیهوده نیست که او به یکی از مشهورترین روزنامه نگاران جهان، شایسته دریافت انواع مختلف جوایز تبدیل گردید.

در سال ۲۰۰۸ «آسانژ» به خاطر انتشار اسناد رشوت خواری در محافل رهبری کنیا، شایسته اخذ جایزه سازمان عفو بین الملل شناخته شد.

در سال ۲۰۱۰ روزنامه گاردین نام «جولیانو آسانژ» را در لیست ۱۰۰ شخصیت معتبر رسانه های جمعی، در ردیف ۵۸ ثبت کرد.

در سال ۲۰۱۰ مجله تایم او را مرد سال شناخت (خود مجله، لقب مارک زوکربرگ به او داد).

در سال ۲۰۱۰ «روزنامه ها» به «آسانژ» عنوان شخصیت سال دادند.

در ماه مه ۲۰۱۱ بنیاد صلح سیدنی به خاطر «شجاعت استثنائی در دفاع از حقوق بشر»، مدال طلا به آسانژ اعطاء کرد.

همه اینها نمی توانستند همچنان ادامه یابند. «آسانژ» به یکی از اندک کسانی بدل شد که توانست مقدس ترین مقدسات آشپزخانه سیاسی آنگلو ساکسونی را بشناسد و از دنیای آنها خبر دهد. و این، خواب نیروهای تاریکی را برآشفست که از میان آنها فقط سرنوشت «خانمهای آ و ب»، مهره های بی اراده بازیهای بزرگ و کثیف تأسف آور است.

به شلاق بستن بنیانگذار ویکلیکس، به معنی زهر چشم گرفتن از همه روزنامه نگاران جهان، از همه آن کسانی است که هنوز به نجابت آرمانهای ساده و ابدی باور دارند.

«آسانژ» به عنوان روزنامه نگار، بدون این که هیچ مسئولیتی در مقابل هیچ دولت خارجی بر عهده داشته باشد، کاملاً حق داشت جنایات ایالات متحده امریکا را افشاء کند. اما الهه عدل امریکائی تصور خاص خودش را از دفاع از منافع ملی دارد. جهان مدتهاست که بر این ارزیابی رسیده است. کاندومها هیچ کمکی به او نخواهند کرد.

<http://www.fondsk.ru/news/2012/08/18/prezervativy-dlja-britanskoj-femidy.html>

<http://eb1384.wordpress.com/2012/08/21/>

۳۱ مرداد [اسد] ۱۳۹۱